

برخی از بایسته های تبلیغ و سخنور



سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین قرآنی

اشاره

نوشته ای که پیش رو دارید اقتباس از دو سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین محسن قرآنی است که یکی در جمع مبلغان خارج از کشور و دیگری در جمع مبلغان هجرت بلند مدت حوزه علمیه قم ایراد گردیده است. چکیده این دو سخنرانی به صورت گزینشی و نکته وار ارائه می شود.

* * *

۱. دعوت باید به سوی خدا باشد. از نظر قرآن کریم بهترین مردم کره زمین مبلغین هستند، به شرط اینکه دعوت و تبلیغشان به سوی خداوند تبارک و تعالی - نه دعوت به نفس - و

عمل و رفتارشان صالح و خالص برای خداوند باشد. «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»؛ «و کیست خوش گفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید: من [در برابر خدا] از تسلیم شدگانم؟»

۲. مبلغ باید سوز و عطش درونی برای هدایت مردم داشته باشد. یکی از ویژگیهایی که خداوند تبارک و تعالی برای حضرت رسول ﷺ مطرح می کند، همین سوز درونی و حرص

دیگری سخنرانی کند، بلکه باید خودش باشد و مثل خودش سخنرانی کند. «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتَلَفَ الْأَلْسِنَتِكُمْ وَاللُّوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ»^۴؛

«و از نشانه‌های اوست آفریدن آسمانها و زمین و گوناگون بودن زبانها و رنگهای شما. هر آینه در این کار نشانه‌هایی برای دانشمندان است.»

۵. یکی از ویژگیهای مهم مبلغ این است که ساده، روان و قابل فهم برای همه بگوید. به عنوان مثال به جای اینکه بگوید «در این مقطع از زمان، بگوید همین حالا، یا به جای «روند تکاملی» بگوید، «همین طور که پیش می‌رویم». «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»^۵؛

«و قطعاً قرآن را برای پسندآموزی آسان کرده‌ایم، پس آیا پسند گیرنده‌ای هست؟»

برای هدایت امت است. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»؛ «قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد. بر او دشوار است که شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است.»

و در همین رابطه در مورد پیامبر عظیم الشأن اسلام می‌فرماید:

«كَمَلَكُ بَاخِعٍ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»^۶؛ «شاید تو از اینکه [مشرکان] ایمان نمی‌آورند، جان خود را تباه سازی.»

۳. مبلغ باید بی‌تکلف باشد مثلاً اگر نمی‌داند، صاف بگوید نمی‌دانم. اگر از او سؤال کردند و دانست، جواب دهد و اگر ندانست، توجیه و تفسیر بی‌جهت نکند. «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ»^۷؛ «بگو: مزدی بر این [رسالت] از شما طلب نمی‌کنم و از متکلفین نیستم [و سخنانم روشن و همراه با دلیل است].»

۴. مبلغ نباید در امر تبلیغ مقلد دیگران باشد. خطیب نباید سعی کند مثل مرحوم فلسفی و یا سخنور

۱. توبه/۱۲۸.

۲. شعراء/۳.

۳. ص/۸۶.

۴. روم/۲۲.

۵. قمر/۱۷.

۶. سخنرانی باید مفید و مختصر و جذاب باشد و در ۲۰ دقیقه تنظیم شود مگر اینکه، خطیب بتواند مردم را بخنداند. مرحوم فلسفی می‌گفت: «هر کس نمی‌تواند مردم را بخنداند سر ۲۰ دقیقه از منبر پایین بیاید.»

۷. مبلغ توانمند، کسی است که هم مردم را بخنداند و هم بگریاند. «وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكٌ وَأَبْكِي»!

«و آنکه او خندانید و گریانید.»

۸. مبلغ باید با همه مؤمنین به یک شکل برخورد کند. جواب سلامها و برخوردهای او نباید نسبت به افراد متفاوت باشد، بلکه باید بخاطر خدا با همه یکسان برخورد کند.

۹. مطالب و مسائلی که در منبر مطرح می‌شود باید مطابق با نیاز مخاطب انتخاب شود.

۱۰. خطیب توانا کسی است که سخنرانی خود را متنوع کند. اینکه درباره یک موضوع شبهای متوالی صحبت شود، اشتباه است.

۱۱. سخنران نباید در هنگام سخنرانی، نگاه خود را به همه جمعیت تقسیم کند و به یک نقطه خاص خیره

نشود.

۱۲. مبلغ باید دسته بندی شده سخن بگوید و اول و آخر کلامش مشخص باشد. مخلوط صحبت کردن از اشتباهات بزرگ در سخنرانی است.

۱۳. از جمله هنرهای خوب در تبلیغ، استفاده از مثالهای زیبا و مناسب است. به عنوان مثال، برای بیان ثواب نماز جماعت که اگر ۲ نفر بودند چقدر و اگر سه نفر بودند چقدر ثواب دارد تا اینکه اگر به ۱۰ نفر رسیدند ثواب آن بی نهایت می‌شود، می‌توان این طور گفت: «خواهر یا برادر! شما اگر یک انگشت داشته باشی چقدر توانایی داری؟ اگر ۲ تا انگشت داشته باشی چقدر؟ اگر ۳ تا چطور؟ با اضافه شدن تعداد انگشتان توانایی شخص بالاتر می‌رود و آن شخص که هر ۱۰ انگشت را داشته باشد از عهده بی نهایت کار بر می‌آید.»

مثال دیگر: سؤال می‌شود که چرا قرآن همه خوبیها را به خدا و همه بدیها را به شخص نسبت می‌دهد؟ مثلاً

می‌فرماید:

﴿لَمَّا أَضَابَتْكَ مِنْ حَسَنَةِ قَمِينِ اللَّهِ وَمَا
أَضَابَتْكَ مِنْ سَيِّئَةِ قَمِينِ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ
رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾^۱؛

«هر چه از خوبی به تو می‌رسد از
جانب خداست، و آنچه از بدی به تو
می‌رسد از خود توست، و تو را به
پیامبری برای مردم فرستادیم، و گواه
بودن خدا بس است.»

در جواب این سؤال می‌توان این
طور مثال زد: زمین همیشه دور
خورشید می‌چرخد. آن قسمت از
زمین که به طرف خورشید است
روشن و آن قسمت که به طرف
خورشید نیست تاریک می‌باشد. پس
روشنایی زمین از خورشید و تاریکی
آن از خودش می‌باشد.

۱۴. مبلغ باید سه شرط اساسی
داشته باشد، کما اینکه پیامبران الهی
این سه شرط را داشتند.

(۱) از مردم باشد:

﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا
عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^۲؛
«پروردگارا، در میان آنان، فرستاده‌ای

از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر
آنان بخواند، و کتاب و حکمت به آنان
بیاموزد و پاکیزه‌شان کند، زیرا که تو
خدای شکست‌ناپذیر حکیمی.»

(۲) در مردم باشد:

﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا
عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ
وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا
تَعْلَمُونَ﴾^۳؛ «همان‌طور که در میان شما،
فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم، که
آیات ما را بر شما می‌خواند، و شما را
پاک می‌گرداند، و به شما کتاب و
حکمت می‌آموزد، و آنچه را
نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد.»

(۳) با مردم باشد:

﴿فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا
وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَفَرُوا بآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا
مُؤْمِنِينَ﴾^۴؛ «پس او و کسانی را که با او
بودند به رحمتی از خود رهانیدیم، و
کسانی را که آیات ما را دروغ شمردند
و مؤمن نبودند ریشه کن کردیم.»

۱. نساء/۷۹.

۲. بقره/۱۲۹.

۳. بقره/۱۵۱.

۴. اعراف/۷۲.

می خورد.

مثال: اگر در داستان حضرت

یوسف علیه السلام گفته شود که ایشان برادران

حسودی داشت که به عنوان بازی او را

بردند و در چاه پرت کردند و پیراهن

خونین او را آوردند و...، مخاطب

خواهد گفت: این تاریخ ۲۰۰۰ سال

قبل است و هیچ ارتباطی به زندگی ما

ندارد. اما اگر گفته شود: یوسفی بود،

جوانها! همه شما یوسف هستید،

یوسف را بردند، همه شما را هم

می برند، او را به اسم بازی بردند، شما

را هم به اسم بازی می برند، او را به چاه

انداختند و پرت کردند، شما را نیز

پرت می کنند و... در این صورت

مخاطب احساس می کند که قرآن با او

سخن می گوید و شرح حال امروز

اوست.

۱۵. محور تمام سخنان مبلغ در

تبلیغ باید قرآن باشد. «سَخْنٌ أَعْلَمَ بِمَا

يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرَ بِالْقُرْآنِ

مَنْ يَخَافُ وَعَبِيدٌ»^۱؛

«ما به آنچه می گویند آگاه‌تریم و

تو مأمور به اجبار آنها [به ایمان] نیستی؛

پس بوسیله قرآن، کسانی را که از

عذاب من می ترسند متذکر ساز.»

۱۶. مبلغ نباید از تعریفهای

بی جای دیگران خشنود شود. چرا که

قرآن کریم چنین انسانی را بدعاقبت

می داند. «لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا

وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا

تَحْسَبَنَّ لَهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ

أَلِيمٌ»^۲؛

«البته گمان مبر کسانی که بدانچه

کرده‌اند شادمانی می کنند و دوست

دارند به آنچه نکرده‌اند مورد ستایش

قرار گیرند، قطعاً گمان مبر که برای آنان

نجاتی از عذاب است، [بلکه] عذابی

در دناک خواهند داشت.»

۱۷. سخن مبلغ باید مطابق با زمان

و مکان باشد، به گونه‌ای که مخاطب

حس کند آن سخن برای اوست. در این

صورت مخاطب با مطلب گره

۱. ق/۴۵.

۲. آل عمران/۱۸۸.